

قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از دادگاه‌های ملی در داوری تجاری بین‌المللی

مجید سربازیان^۱ - سید رضا هاشمی^۲ - مذکور صالحی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱۴

چکیده

یکی از موارد عملی مداخله دادگاه‌های ملی در روند داوری بدون آنکه مبنای قانونی داشته باشد، صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به درخواست متقاضی آن می‌باشد. نظر به اینکه قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا دارای کاربردی دوگانه است؛ بدین بیان که گاهی در جهت حمایت از داوری و گاهی نیز در جهت ممانعت از رسیدگی داوری صادر می‌شود، اهمیت چنین قراری در داوری تجاری بین‌المللی نمایان می‌شود؛ بنابراین پاسخ بدین سؤال ضروری است که رویکرد نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی و ملی در خصوص قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا چیست؟ از میان نظام‌های حقوقی، صرفاً دادگاه‌های ملی در نظام حقوقی کامن لا چنین قراری را صادر می‌نمایند. در مقابل، در نظام حقوقی مدون چنین قراری را مداخله ناموجه در نظام قضایی کشور دیگر می‌دانند. در اسناد بین‌المللی نیز، قانون نمونه داوری آنسیترال، کنوانسیون نیویورک و نظام جدید بروکسل یک در حقوق اتحادیه اروپا جواز صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را به دادگاه‌های ملی اعطا نکرده‌اند. در قوانین موضوعه ایران نیز جواز صدور قرار مزبور مقرر نشده، مضافاً اینکه نمی‌توان کارکرد آن را در قالب دستور موقت توجیه نمود.

واژگان کلیدی: اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت، اصل اعتماد متقابل، مداخله دادگاه در داوری، موافقت‌نامه داوری.

sarbazian@shirazu.ac.ir

rezahashemi.۱۳۷۰@gmail.com

mazkoor.salehi@gmail.com

۱. استادیار حقوق خصوصی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شیراز

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شیراز

۱- مقدمه

برخلاف دادگاه‌های ملی، نهاد داوری فاقد قوه قهریه می‌باشد،^۱ از این رو، در پاره‌ای امور نیاز به مساعدت و همکاری دادگاه‌های ملی در روند داوری ضروری می‌نماید. به دیگر سخن، نظر به اینکه دیوان‌های داوری صلاحیت قضایی و حاکمیت مطلق همانند دادگاه‌های ملی ندارند، اهمیت نقش مداخله دادگاه‌ها در جریان داوری نمایان می‌شود. صرفاً هنگامی که یک وضعیت خاص در داوری رخ می‌دهد از دادگاه‌های ملی تقاضا می‌شود تا در روند داوری مداخله نمایند. یکی از مواردی که برای طرفین موافقت‌نامه داوری در خصوص مطرح نمودن درخواستی از دادگاه وجود دارد، درخواست یکی از طرفین مبنی بر صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا^۲ می‌باشد. در واقع، قرار مذکور نیز نوعی از مداخله دادگاه‌های ملی در روند داوری می‌باشد که عموماً چنین مداخله‌ای را در نقش نظارتی دادگاه‌های ملی بر روند داوری توجیه می‌نمایند.^۳ اهمیت چنین مداخله‌ای در روند داوری غیر قابل انکار می‌باشد؛ بدین توضیح که اگرچه در اغلب موارد قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت حمایت از روند داوری صادر می‌گردد، لکن بعضاً قرار مزبور در جهت منتفی نمودن رسیدگی داوری نیز به کار گرفته شده است و همین امر ضرورت تبیین حدود این نوع از مداخله دادگاه‌های ملی و رویکرد اسناد بین‌المللی و ملی را در این خصوص آشکار می‌سازد. از این رو، در این پژوهش ضمن تبیین مفهوم و خاستگاه قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا، به ترتیب رویکرد حوزه‌های قضایی کامن‌لا و حقوق مدون، انواع قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا، رویکرد کنوانسیون نیویورک و قانون نمونه داوری آنسیترال، سیاست تقنینی و رویه قضایی اتحادیه اروپا و در پایان نیز رویکرد حقوق ایران در خصوص قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا نقد و بررسی می‌شود.

۲- مفهوم و خاستگاه قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا

در داوری تجاری بین‌المللی تعریف واحدی از قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا وجود ندارد،

۱. مصلحی، جلال، «حدود مداخله دادگاه‌های ملی در روند داوری»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۵ و ۱۶، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰.

۲. Anti-Suit Injunction

۳. Ponomaryov, Aleksey, "State Court Use of Anti-Suit Injunctions In International Arbitration", Central European University, ۲۰۰۸, p.۱.

برخی آن را به‌عنوان دستور یا قراری از جانب دادگاه علیه یک طرف که با این هدف صادر می‌گردد که وی را از اقامه دعوا نزد محکمه دیگر منع نماید یا وی را ملزم کند که چنین دعوایی که از پیش اقامه شده است را پیگیری نکند، تعریف نموده‌اند.^۱ برخی دیگر در تعریفی جامع‌تر نسبت به تعریف فوق‌الذکر بیان داشته‌اند که قرارهای منع اقامه یا پیگیری دعوا دستوری از جانب دادگاه است که خواننده را ملزم می‌نماید تا دعوی خود را اقامه ننماید یا دعوی مطروحه را متوقف نماید یا اقداماتی را در خصوص خاتمه یا تعلیق و توقیف دادرسی دادگاه یا رسیدگی داور در یک کشور خارجی انجام دهد.^۲ تعریف مزبور از این جهت حایز اهمیت می‌باشد که در مفهوم قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به توقیف و عدم پیگیری رسیدگی داور نیز اشاره داشته است، لکن همانند تعریف پیشین از این جهت مورد انتقاد است که به امکان یا عدم امکان صدور قرار مزبور از جانب دیوان داور اعتنایی ننموده است. در نهایت در تعریف قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در داور باید اذعان داشت که قراری است که از جانب دادگاه‌های ملی باهدف جلوگیری از اقامه یا پیگیری دعوی ناقض موافقت‌نامه داور^۳ یا منع داور در فرضی که داور به اشتباه اقامه گشته است، صادر می‌گردد، لکن دیوان‌های داور صرفاً قادر خواهند بود تا قرارهای منع اقامه یا پیگیری دعوا مبنی بر جلوگیری از دعوایی که موافقت‌نامه داور را نقض می‌کند صادر نمایند و اختیاری مبنی بر صدور قرار منع داور نخواهند داشت.

۱. Dowers, Neil, "The Anti-Suit Injunction and the EU: Legal Tradition and Europeanization in International Private Law", Cambridge Journal of International and Comparative Law, No. ۴, ۲۰۱۳, p. ۹۶۰.

۲. Raphael, Thomas, The Anti-Suit Injunction. Oxford University Press, ۲۰۰۸, pp. ۳-۴.

۳. در این خصوص باید توجه داشت آنچه در مطرح نمودن دعوا نزد دادگاه در نقض موافقت‌نامه داور مهم می‌باشد، اقامه ماهوی دعوا موضوع موافقت‌نامه داور است، لذا با توجه به صلاحیت همزمان و متقارن دیوان داور و دادگاه در صدور دستور موقت، رجوع یکی از طرفین موافقت‌نامه داور به دادگاه به منظور تحصیل اقدامات تأمینی و موقت، نمی‌تواند به منزله نقض موافقت‌نامه داور تلقی گردد.

جنیدی، لعیا؛ حق پرست، رضا، «خلاهای قانون آیین دادرسی مدنی در صدور قرار دستور موقت از جانب داور»، حقوق خصوصی، شماره ۲، ۱۳۹۳، ص ۴۲۰. اسدی نژاد طاهر گورابی، سید محمد؛ اسدی نژاد طاهر گورابی، میرحامد، «دستور موقت در داورهای ملی و بین‌المللی» فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۱۴، ۱۳۹۴، ص ۷۳.

بنابراین در صورت رجوع به دادگاه به منظور تحصیل دستور موقت از آنجایی که چنین اقدامی نقض موافقت‌نامه داور قلمداد نمی‌گردد، در خصوص منع چنین اقدامی نمی‌توان قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادر کرد.

Moloo, Rahim, "Arbitrators Granting Antisuit Orders: When Should They and on What Authority?", Journal of International Arbitration, Issue. ۲, ۲۰۰۹, pp. ۶۸۲-۶۸۳.

خاستگاه قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا نیز نظام حقوقی کامن لا و به ویژه کشور انگلستان است.^۱

۳- رویکرد حوزه‌های قضایی

در این قسمت اجمالاً رویکرد حوزه‌های قضایی مبتنی بر نظام حقوقی کامن لا و نظام حقوقی مدون در رابطه با قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا تبیین می‌گردد.

۳-۱- رویکرد حوزه‌های قضایی مبتنی بر نظام کامن لا

قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به نظام حقوقی کامن لا وابسته می‌باشد،^۲ زیرا قرارهای مزبور ابزاری هستند که توسط دادگاه‌های انگلستان در رعایت موافقت‌نامه منعقد شده میان طرفین به ویژه موافقت‌نامه داوری در صورت حدوث اختلاف میان طرفین به کار گرفته می‌شود. در نظام حقوقی مزبور اگر یکی از طرفین، دادرسی خارجی را در نقض موافقت‌نامه داوری تنها باهدف انسداد و ایجاد مانع در جریان داوری و ایدای طرف دیگر آغاز نماید، طرف دیگر موافقت‌نامه نیازمند حمایت می‌باشد، لذا می‌تواند از دادگاه درخواست صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را نماید. با صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از اهدافی که طرف ناقض موافقت‌نامه داوری مبنی بر ایجاد مانع در روند داوری و ایدای طرف مقابل به دنبال آن است جلوگیری به عمل خواهد آمد.^۳ در سایر کشورهای نظام حقوقی کامن لا نیز قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا کم‌وبیش صادر می‌گردد؛ دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا دارای اختیاری ذاتی مبنی بر صدور یک قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا می‌باشند، احکام صادره متعددی مبنی بر اینکه دادگاه‌های فدرال دارای اختیار و توانایی منع اشخاص موضوع صلاحیت خود از پیگیری دعوای خارجی

۱ . Gaillard, Emmanuel, "Reflections on the Use of Anti-Suit Injunctions in International Arbitration", *Pervasive Problems in International Arbitration*, Kluwer Law International, Edited by Loukas A. Mistelis, Julian D.M. Lew, ۲۰۰۶, p.۲۰۳.

Petrov, Kiril & others, "Anti-suit injunctions issued to protect arbitration agreements – a remedy against parallel proceedings? Reviewing Gazprom Case". *Themis competition Semi*, ۲۰۱۵, p.۳. Fisher, Gefrey, "Anti-Suit Injunctions to Restrain Foreign Proceedings in Breach of an Arbitration Agreement", *Bond Law Review*, ۲۰۱۰, P.۱.

۲ . Subramanian, Varsha G, & Menon, Lakshmi, "Anti-arbitration and Anti-suit Injunctions: Court Interference in Arbitration by way of Injunctions", *International Journal of Research and Analysis*, Issue.۲, ۲۰۱۳, p.۲۵۹.

۳ . Petrov, Kiril & others. *Op.cit*, pp. ۳-۴.

هستند، مؤید این امر می‌باشد. در آمریکا اصول کلی و عمومی صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا مشابه اصولی است که توسط دادگاه‌های انگلستان اعمال می‌گردد. دادگاه‌های کانادا نیز وجود و مشروعیت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را مورد ملاحظه قرار دادند و دیوان عالی کانادا بر نقش نزاکت^۱ در ماهیت و موضوع منع کنندگی بین‌المللی تأکید داشته است. در استرالیا نیز در قضیه‌ای با صدور قرارهای منع اقامه یا پیگیری دعوا، اختیار دادگاه را در رابطه با صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا تأیید می‌کند و این امر را روشن می‌سازد که اصول مشابهی که دادگاه‌های انگلستان به کار می‌گیرند در استرالیا نیز قابل اعمال است.^۲ بنابراین در حوزه‌های قضایی مبتنی بر نظام کامن لا به‌ویژه کشور انگلستان قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به‌عنوان ابزاری مشروع در اختیار دادگاه‌های ملی قرار دارد که دادگاه با صدور آن نقش نظارتی خود بر روند داوری ایفا می‌نماید.

۳-۲- رویکرد حوزه‌های قضایی مبتنی بر نظام حقوق مدون

اگرچه قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در انگلستان شهرت یافته، لکن با توجه به افزایش تعامل فی‌مابین طرفین با حوزه‌های قضایی مختلف در تجارت بین‌الملل، قرار مزبور در سایر کشورهای قاره اروپا در حال شناخته شدن است.^۳ عدم به‌کارگیری و شناخت کامل حوزه‌های قضایی مبتنی بر نظام حقوق مدون از قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا مبتنی بر دلایل متعددی است؛ نخست آن که قرار مذکور مستقیماً علیه دادرسی دادگاه خارجی می‌باشد و بدین‌وسیله در نظام قضایی کشور دیگر مداخله می‌کند. دلیل دیگر نیز این امر می‌باشد که با توجه به اینکه با صدور قرار منع، طرف مخاطب آن اساساً از اقامه دعوا نزد دادگاه دیگر منع می‌گردد، قرار مذکور حقوق اساسی شخص را در رابطه با دسترسی به دادگاه و نظام قضایی نقض می‌کند. در مقابل، در پاسخ به دلایل فوق‌الذکر مطروحه از جانب دادگاه‌های نظام حقوق مدون، دادگاه‌های نظام حقوقی

۱. Comity

۲. Ponomaryov, Aleksey, op.cit, pp. ۵-۸.

۳. Fernandez Rozas, Jose Carlos, "Anti-suit Injunctions Issued by National Courts Measures Addressed to the Parties or to the Arbitrators", in *Anti-Suit Injunctions in International Arbitration*, ed. Emmanuel Gaillard (General editor) Berna, Staempfli Verlag AG, ۲۰۰۵, pp.۷۵-۷۷.

کامن لا بر اهمیت حمایت از حقوق و تعهدات قراردادی تأکید می‌کنند و به واسطه آن اختیاری غیرقابل انکار را به دادگاه‌ها در دفاع از حقوق و تعهدات قراردادی اعطا می‌نماید. مضافاً اینکه صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را مداخله باصلاحیت دادگاه و نظام قضایی کشور دیگر نمی‌دانند، زیرا مخاطب قرار مزبور دادگاه‌های ملی نمی‌باشد، بلکه مخاطب آن طرف ناقض موافقت‌نامه داوری می‌باشد. همچنین دادگاه‌های نظام حقوق کامن لا بیان داشته‌اند که طرفین موافقت‌نامه داوری با انعقاد آن از حقوق خود مبنی بر استفاده اصول قضایی و دسترسی به دادگاه اعراض نموده‌اند.^۱ در حوزه‌های قضایی مبتنی بر نظام حقوق مدون به‌طور کلی به منظور مقابله با رسیدگی موازی^۲ به مفهوم ایراد امر مطروحه استناد می‌کنند.^۳ اعمال ایراد امر مطروحه در داوری مورد تردید می‌باشد زیرا این ایراد صرفاً در فرضی که دو طرف آن دادگاه باشد قابل طرح است، نه اینکه در فرضی که یک طرف آن دیوان داوری و طرف دیگر آن دادگاه ملی باشد.

۴- انواع قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از جانب دادگاه‌های ملی

در این مبحث ابتدا قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت حمایت از داوری تبیین و سپس قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت ممانعت از داوری^۴ مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱- قرار منع در جهت حمایت از داوری

در اغلب موارد هنگامی که اصطلاح قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به کار برده می‌شود، جنبه حمایتی این نوع از قرار متبادر به ذهن می‌رسد. در حوزه‌های قضایی که اعتقاد بر صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از جانب دادگاه‌های ملی دارند، بیشتر بر نوع حمایتی قرار منع تأکید داشته و از صدور قرار منع در جهت ممانعت از داوری حتی المقدور اجتناب می‌کنند.^۵ قرار منع در

۱ . Petrov, Kiril & others. Op.cit, P.۵.

۲ . parallel proceedings

۳ . Kaufmann-Kohler, Gabrielle, "How to Handle Parallel Proceedings: A Practical Approach to Issues such as Competence-Competence and Anti-Suit Injunctions". Dispute Resolution International, No. ۱, ۲۰۰۸, P.۱۱۱.

۴ . Anti-Arbitration Injunction

۵. دیوان‌های داوری می‌توانند قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت حمایت از داوری صادر نمایند، در واقع، جواز صدور چنین قراری از جانب دیوان‌های داوری در داوری تجاری بین‌المللی در حال تبدیل شدن به رویه ای مقبول است. چنین

جهت حمایت از داوری عبارت است از دستوری که طرف ناقض موافقت‌نامه داوری را از اقامه یا پیگیری دعوا نزد دادگاه ملی منع می‌نماید. مبنای صدور این نوع از قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در حوزه‌های قضایی که اعتقاد بر صدور چنین قراری دارند، موافقت‌نامه داوری می‌باشد؛ بدین توضیح که از آنجایی که موافقت‌نامه داوری قراردادی است که طرفین آن را ملزم می‌کند، عدم پایبندی به آن توسط یکی از طرفین، سبب نقض آن می‌گردد. حال آن‌که با صدور چنین قراری سعی می‌شود تا از نقض موافقت‌نامه داوری جلوگیری به عمل آید. هدف از صدور این نوع قرار منع، حراست نمودن از موافقت‌نامه داوری و امکان تشکیل و برگزاری رسیدگی داوری است، لکن متقارن با آن از صدور دو رأی (در بیشتر مواقع متناقض) در رابطه با اختلافی واحد احتراز می‌کند.^۱

۴-۲- قرار منع در جهت ممانعت از داوری

قرار منع در جهت ممانعت از داوری، قبل از اینکه داوری آغاز گردد به منظور جلوگیری از تشکیل دیوان داوری یا بعد از آن که روند داوری آغاز گشت به منظور توقف روند داوری صادر می‌گردد.^۲ این نوع از قرار منع در حوزه‌های قضایی که اعتقاد بر صدور چنین قراری دارند، صرفاً باید در مواردی صادر گردد که مطلقاً واضح است که روند داوری به‌اشتباه اقامه شده است.^۳ قرار

جوازی در پاراگراف (ب) بند ۲ ماده ۱۷ از اصلاحات سال ۲۰۰۶ قانون نمونه داوری آنسیترال پیش بینی گشته است. به منظور مطالعه تفصیلی قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از جانب دیوان‌های داوری در داوری تجاری بین‌المللی رجوع کنید به: Lie Luxford, Stephanie, "What Is the Proper Scope of the Power of an Arbitral Tribunal to Issue an Order Restraining a Party from Pursuit of Parallel Proceedings in a National Court?", *International Arbitration and Dispute Settlement*, ۲۰۱۵.

Lévy, Laurent, "Anti-Suit Injunctions Issued by Arbitrators", *IAI International Arbitration*, No. ۲. ۲۰۰۳.

Vishnevskaya, Olga, "Anti-suit Injunctions From Arbitral Tribunals in International Commercial Arbitration: A Necessary Evil?", *Journal of International Arbitration*, No. ۲, ۲۰۱۵.

Gaillard, Emmanuel, "Anti-suit Injunctions Issued by Arbitrators", in *International Arbitration ۲۰۰۶: Back to Basics*, ed. Albert Jan Van Den Berg. ۲۰۰۶.

۱. Fernandez Rozas, Jose Carlos, Op. cit., pp. ۷۷-۷۹.

۲. Nazar Pagani, Felipe, "Anti-Arbitration Injunctions and the Principle of Competence – Competence", *Lex Arbitri*, Peru, ۲۰۱۴, pp. ۱- ۲.

۳. نیکبخت، حمید رضا، داوری تجاری بین‌المللی «آیین داوری»، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰، ص ۲۲۸.

مذکور می‌تواند علیه یکی از طرفین موافقت‌نامه داوری یا علیه داوران صادر شود، با این حال، در اغلب موارد علیه طرفین موافقت‌نامه داوری صادر می‌گردد تا اینکه علیه دیوان‌های داوری صادر شود.^۱ در عمل درجایی که یک طرف به منظور تحصیل یک قرار منع در جهت ممانعت از داوری به دادگاه ملی مراجعه می‌کند، بر این اعتقاد است که ماهیت رسیدگی داوری غیر مشروع است و خواهان اجتناب از رسیدگی مذکور می‌باشد. چنین امری معمولاً درجایی رخ می‌دهد که یکی از طرفین موافقت‌نامه داوری نهادی دولتی است و زمانی که روند داوری را به زیان خود می‌بیند با مراجعه به دادگاه دولت متبوع خود درصدد آن است تا از روند داوری یا اجرای رأی داوری جلوگیری به عمل آورد. در پاکستان در قضیه هوبکو علیه دبلیو ای پی دی ای،^۲ اختلافی میان طرفین در رابطه با پروژه ۱/۸ میلیارد دلاری ساخت یک نیروگاه برق در پاکستان به وجود آمد.

قرارداد مورد اختلاف حاوی شرط داوری بود که به موجب آن اختلاف می‌بایست توسط مرکز داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی لندن حل و فصل شود. بعد از اینکه جریان داوری در جولای ۱۹۹۸ در رابطه با روش محاسبه برق تولیدشده در لندن آغاز گشت، دبلیو ای پی دی ای با این ادعا که قراردادهای مذکور غیرقانونی می‌باشد و به طور متقابل منعقدشده است، از دادگاه کشور متبوع خود یعنی پاکستان، صدور دستوری مبنی بر تعلیق و توقیف جریان داوری از سوی خواهان را تقاضا نمود. متعاقب چنین درخواستی، دادگاه مزبور نیز با درخواست نهاد دولتی کشور خود موافقت و دستور درخواست شده را صادر کرد و نهایتاً دادگاه عالی پاکستان نیز در دادرسی خود در ژوئن سال ۲۰۰۰ این رأی را تأیید نمود و حکم داد که موضوع مطرح شده در داوری، قابلیت ارجاع به داوری را نداشته است. در اتیوپی نیز در قضیه‌ای که به قضیه سالینی^۳ معروف می‌باشد، دستوری به وسیله دادگاه محلی مستقیماً علیه خواهان و دیوان داوری صادر شد. در مراحل اولیه رسیدگی داوری، خواننده که نهادی دولتی در اتیوپی بود، یک سری از آراء و تصمیمات را از دادگاه‌های اتیوپیایی اخذ کرد که از جمله آراء مذکور، قرار موقت دادگاه عالی اتیوپی علیه دیوان

۱ . Fernandez Rozas, Jose Carlos, Op. cit, p.۸۳.

۲ . Hubco Corporation V. Water and Power Development Authority of Pakistan (WAPDA). Gaillard, Emmanuel, "Reflections on the Use of Anti-suit Injunctions in International Arbitration", p. ۲۰۵.

۳ . Salini Costruttori S.p.A. V. the Federal Democratic Republic of Ethiopia, Addis Ababa Water and Sewerage Authority. Ibid. pp.۲۰۶-۲۰۸.

داوری بود که دیوان را امر به تعلیق و توقیف جریان داوری با اثر فوری می‌نمود. خواننده مذکور همچنین دعوی جداگانه را نزد دادگاه فدرال اتیوپی به منظور اخذ حکمی مبنی بر اینکه دیوان داوری فاقد صلاحیت است آغاز کرده بود. دادگاه دستوری مبنی بر منع خواهان از روند داوری تا اینکه دادگاه رأی خود را در خصوص صلاحیت یا عدم صلاحیت دیوان داوری صادر کند، اعطا نمود. در حکمی که در نهایت در خصوص توقف رسیدگی و صلاحیت در تاریخ هفتم دسامبر ۲۰۰۱ صادر شد، دیوان داوری تصمیم گرفت که به آرای صادره توسط دادگاه‌های اتیوپیایی اثری بار ننماید. دلایل و مبانی دیوان داوری مبنی بر ادامه روند داوری این بود که اولاً، دیوان مزبور نسبت به طرفین موافقت‌نامه داوری تکلیفی اولیه داشته است و همچنین موافقت‌نامه منعقد شده میان طرفین آن منتفی نگشته است. ثانیاً، دولت یا نهاد دولتی نمی‌تواند با مراجعه به دادگاه ملی خود، موافقت‌نامه داوری را منتفی نماید. ثالثاً، تکلیف نهایی دیوان داوری این امر می‌باشد که تمامی تلاش خود را به خرج دهد تا رأی داوری قابل اجرا صادر نماید. در نهایت در این قضیه دیوان داوری به‌طور خاص اظهار داشت که در صورتی که دیوان داوری اعتقاد به متابعت از دستور دادگاه در این خصوص داشته باشد، این امر با درک دیوان داوری از تکلیف خود نسبت به طرفین که از موافقت‌نامه داوری ناشی شده، تعارض اساسی خواهد داشت. لذا دیوان داوری باید به رسیدگی خود ادامه دهد حتی اگر چنین امری منجر به عدم پیروی از دستور دادگاه باشد.

نتیجه‌ای غیر از نتیجه فوق، متضمن بی‌عدالتی نسبت به طرفین موافقت‌نامه داوری خواهد بود و با انتظارات و پیش‌بینی‌های مشروع که طرفین موافقت‌نامه داوری به‌واسطه منعقد نمودن آن داشته‌اند، تعارض خواهد داشت. مضافاً اینکه در فرضی که دیوان داوری از دستور دادگاه ملی در این مورد پیروی کند، به دادگاه ملی این جواز را اعطا کرده که موافقت‌نامه داوری بین‌المللی را به سندی مرده و بیهوده تبدیل نماید که چنین امری نتیجه‌ای غیرقابل قبول برای عرف و رویه داوری بین‌المللی خواهد بود.

در عمل، اغلب کشورهای بنگلادش، هند، پاکستان و اندونزی به چنین سازوکاری به‌منظور اجتناب از رسیدگی داوری متوسل گشته‌اند،^۱ لکن این امر به‌عنوان رویه‌ای که از آن توسط سایر کشورها پیروی گردد نمی‌باشد.

۱. Ponomaryov, Aleksey, Op.cit., pp. ۲۹ - ۳۰.

۴-۲-۱- دلایل موافقان قرار منع در جهت ممانعت از داوری

موافقان صدور قرار منع در جهت ممانعت از داوری بر این عقیده هستند که اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت، اصلی مطلق نمی‌باشد؛ بدین توضیح که اولویت و حق تقدم مطلق داوران نسبت به صلاحیت خود و رسیدگی به اختلاف، حتی اگر تا آن زمان دیوان داوری تشکیل نشده باشد، منجر به برخی مشکلات و تحمیل هزینه‌هایی خواهد شد. به عبارت دیگر، طرفی که هیچ‌گونه توافقی مبنی بر مراجعه به داوری نکرده باشد، قبل از اینکه قادر به اقامه دعوا در ماهیت دعوا در دادگاه صالح باشد، باید منتظر تصمیم دیوان داوری در رابطه با صلاحیت و موضوع اختلاف باشد و سپس به رأی صادره از دیوان در دادگاه مقرر داوری اعتراض نماید.^۱ افزون بر این، به ماده ۸ قانون نمونه داوری آنسیترال و ماده ۲ کنوانسیون نیویورک استناد می‌کنند و بیان می‌دارند دادگاهی که دعوا موضوع موافقت‌نامه داوری نزد آن‌ها مطرح گشته باید موضوع را به داوری ارجاع دهد، مگر اینکه موافقت‌نامه داوری باطل، کأن لم یکن، بی‌اعتبار یا غیرقابل اجرا باشد. در واقع، مقرره‌های فوق‌الذکر این فرض را پیش‌بینی نموده‌اند که حتی هنگامی که در رابطه با موضوع اختلاف موافقت‌نامه داوری منعقد شده باشد، یکی از طرفین می‌تواند دادرسی دادگاه را به منظور اتخاذ تصمیم نسبت به وجود و اعتبار موافقت‌نامه داوری آغاز نماید. دلیل دیگر موافقان بر این امر مبتنی است که در فرضی که موافقت‌نامه داوری اصلاً وجود نداشته باشد، این امر به کلی غیرمنطقی است که دیوان داوری نسبت به تصمیم‌گیری در رابطه با هر موضوعی از جمله صلاحیت، اختیار داشته باشد. مطابق این دیدگاه، اگر یکی از طرفین نسبت به صلاحیت دیوان اعتراض داشته باشد، به منظور صرفه‌جویی در هزینه و زمان بهتر است که از ابتدا در رابطه با اتخاذ تصمیم نسبت به صلاحیت و موضوع اختلاف به دادگاه مراجعه کند.^۲ در واقع، موافقان قرار مزبور از یک سو با استناد به مقرره‌های مزبور بر این امر تأکید می‌ورزند که قوانین و مقررات بین‌المللی نیز این فرض را که شخص می‌تواند موضوع موافقت‌نامه داوری را نزد دادگاه ملی مطرح نماید پیش‌بینی کرده است، لذا اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت مطلق نمی‌باشد. از

۱ . Kaufmann-Kohler, Gabrielle, Op. cit., p. ۱۱۲.

۲. Weeramantry, Romesh, "Anti-Arbitration Injunctions: The Core Concepts", <https://cil.nus.edu.sg/wp/wp-content/uploads/2014/06/Note-on-anti-arbitration-injunctions.pdf>. P. ۲.

سوی دیگر موافقان بر اتلاف هزینه و زمان در مراجعه به دیوان داوری اشاره می‌کنند و بیان می‌دارند در صورتی که دیوان داوری صلاحیت نداشته باشد، بهتر است در همان بدو امر شخص با مراجعه به دادگاه قرار منع در جهت ممانعت از داوری را تحصیل نماید.

۴-۲-۲- دلایل مخالفان قرار منع در جهت ممانعت از داوری

مخالفان این نوع از قرار منع اولاً؛ بر این امر اتفاق نظر دارند که قرار منع در جهت ممانعت از داوری، اصول بنیادین داوری از جمله اصول صلاحیت نسبت به صلاحیت و استقلال اراده را نقض می‌کند.^۱ در واقع، با توجه به اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت، دیوان داوری در بدو امر در خصوص اتخاذ تصمیم نسبت به صلاحیت خود، صلاحیت دارد، حال آن‌که قرار منع در جهت ممانعت از داوری، دیوان داوری را از چنین اختیاری محروم می‌سازد. ثانیاً؛ در پاسخ به استدلالی که به ماده ۸ قانون نمونه داوری آنستیرال استناد می‌کنند، باید بیان داشت که مطالعه اجمالی ماده ۵ قانون مزبور عدم امکان صدور چنین قراری را توجیه می‌کند، ماده مزبور مقرر می‌دارد که هیچ دادگاهی نباید در جریان داوری مداخله نماید مگر اینکه قانون مورداشاره آن را مقرر کرده باشد؛ حال آن‌که در هیچ‌یک از مواد قانون مزبور امکان صدور چنین قراری از جانب دادگاه ملی پیش‌بینی نشده است. ثالثاً؛ صرفاً دادگاه مقرر داوری نسبت به روند داوری آن‌هم در رابطه با موارد محدودی که مقرر شده صلاحیت دارد. رابعاً؛ اگرچه گاهی اوقات استدلال شده است که قرار مذکور در برخی مواقع می‌تواند جریان داوری را خاتمه دهد، لکن این قرار در اغلب موارد منجر به روند دادرسی طولانی و پرهزینه موازی نزد مراجع مختلف گشته است. خامساً؛ در مواردی که یکی از طرفین دیدگاه دادگاه ملی دولت متبوع خود را به منظور مساعدت اتخاذ می‌کند، در حالی که آن دادگاه، دادگاه مقرر داوری نمی‌باشد، احتمال سوءاستفاده از چنین قرارهایی بسیار زیاد است؛ به‌نحوی که در سال ۲۰۰۶ از سی‌ویک پرونده‌ای که در خصوص آن‌ها قرار منع در جهت ممانعت از داوری صادر شده بود، ۲۵ مورد آن توسط دادگاه ملی متبوع یکی از طرفین موافقت‌نامه داوری صادر گشته بود. مسئله به‌ویژه جایی

۱ . Ponomaryov, Aleksey, Op.cit, p. ۲۹. Kaufmann-Kohler, Gabrielle, Op. cit., p. ۱۱۲. D M Lew, Julian, "Does National Court Involvement Undermine the International Arbitration Processes?", American University International Law Review, Issue. ۳, ۲۰۰۹, p. ۵۰۹. Weeramantry, Romesh, op. cit, p. ۱.

قابل تأمل است که در اغلب موارد دولت یا نهاد دولتی قرار منع در جهت ممانعت از داوری را از دادگاه کشور خود مطالبه و تحصیل می‌نماید. سادساً؛ حتی اگر در نهایت با اعتراض به رأی داوری در دادگاه صالح، رأی مزبور باطل اعلام شود یا از شناسایی و اجرای آن امتناع گردد، قرار منع در جهت ممانعت از داوری به واسطه این امر که دیوان داوری تشکیل و رأی دیوان نیز صادر شده، عملاً بلا اثر تلقی می‌گردد. حال آن‌که در اغلب پرونده‌هایی که چنین قراری صادر گشته، دیوان‌های داوری بدون اعتنا به صدور چنین قراری رسیدگی خود را ادامه دادند.^۱

در مجموع باید اذعان داشت که قرار منع در جهت ممانعت از داوری، صرفاً سطح مداخله دادگاه‌های ملی در روند داوری را افزایش می‌دهد. مضافاً آن‌که در پاسخ به استدلال‌های موافقان باید بیان داشت که کنوانسیون نیویورک و قانون نمونه داوری آنسیترال ضمانت اجرای لازم را در مواردی که موضوع غیر قابل ارجاع به داوری بوده یا موافقت‌نامه داوری باطل یا غیر قابل اجرا بوده، به وسیله بطلان رأی داور یا امتناع از شناسایی و اجرای رأی داور پیش‌بینی کرده‌اند.^۲ در رابطه با این نوع قرار منع، شورای عمومی اتاق بازرگانی بین‌المللی نیز بر آورد کرده است که در چند سال اخیر در حالی که تقریباً حدود ۱۵۰۰ پرونده به اتاق بازرگانی بین‌المللی ارجاع شده است، صرفاً در رابطه با ۱۵ فقره از پرونده‌های مزبور قرار منع در جهت ممانعت از داوری صادر شده است که این رقم صرفاً یک درصد از تمام پرونده‌های اتاق بازرگانی بین‌المللی را شامل می‌شود.^۳ افزون بر موارد فوق‌الذکر، از یک طرف قرار منع در جهت ممانعت از داوری فاقد مبنای حقوقی و قانونی می‌باشد. به عبارت دیگر، اگرچه در قرار منع در جهت حمایت از داوری صادره از دادگاه‌های ملی، حداقل می‌توان به موافقت‌نامه داوری به عنوان مبنای صدور آن استناد کرد، لکن در قرار منع در جهت ممانعت از داوری نه تنها موافقت‌نامه داوری نمی‌تواند به عنوان مبنایی برای این قرار تلقی گردد، بلکه بالعکس حتی قرار مزبور درصدد لطمه زدن به استقلال اراده طرفین و منتفی نمودن موافقت‌نامه مزبور می‌باشد.

۱ . D M Lew, Julian, "Does National Court Involvement Undermine the International Arbitration Processes?", pp. ۵۱۰-۵۱۴.

۲ . Weeramantry, Romesh, op. cit, p.۲.

۳ . D M Lew, Julian, "Anti-Suit Injunctions by National Courts to Prevent Arbitration Proceedings". in *Anti-Suit Injunctions in International Arbitration*, (Emmanuel Gaillard ed.), ۲۰۰۵, P. ۳۳.

از طرف دیگر، قرار مزبور در مواردی که علیه دیوان داوری صادر می‌گردد فی‌مابین دو مرجعی می‌باشد که هیچ‌گونه روابط ساختاری و سلسله‌مراتبی و قضایی با یکدیگر ندارند. لذا تصمیمات دادگاه‌های ملی مبنی بر توقیف رسیدگی داوری فی‌نفسه برای دیوان‌های داوری الزام‌آور نمی‌باشند. تنها اثری که می‌توان برقرار منع در جهت ممانعت از داوری آن‌هم با اغماض بر آن بار نمود، این است که دیوان‌های داوری هنگامی که راجع به صلاحیت خود اتخاذ تصمیم می‌کنند، قرار مزبور را صرفاً به‌عنوان یک عامل اضافی در تصمیم خود در نظر بگیرند،^۱ که نهایتاً در این فرض نیز حتی اگر دیوان داوری با توجه به قرار مذکور و سایر مواردی که خود در تصمیم‌گیری مدنظر قرار می‌دهد خود را فاقد صلاحیت بداند، بازهم در نهایت دیوان داوری در رابطه با صلاحیت خود تصمیم‌گیری نموده است نه اینکه قرار منع دادگاه ملی، دیوان داوری را مکلف به اعلام عدم صلاحیت کرده باشد.

۵- رویکرد کنوانسیون نیویورک و قانون نمونه داوری آنسیترال

در این قسمت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از منظر این اسناد بررسی می‌شود.

۵-۱- کنوانسیون نیویورک

در این بحث، هر دو نوع قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا تشریح می‌شود. بدین ترتیب که در ابتدا قرار منع حمایتی و سپس قرار منع ممانعتی بررسی می‌گردد.

۵-۱-۱- قرار منع در جهت حمایت از داوری

کنوانسیون نیویورک در رابطه با شناسایی و اجرای آرای نهایی داوری است و تصمیم‌نهایی دیوان داوری که کلیه مسائل ماهوی ارجاعی به دیوان را خاتمه دهد، رأی می‌نامند.^۲ مهم‌ترین مقرره‌ای که در کنوانسیون نیویورک می‌تواند با قرار منع در جهت حمایت از داوری تا حدودی ارتباط یابد، بند ۳ ماده ۲ کنوانسیون مذکور می‌باشد.^۳ چنان‌که از متن بند مزبور آشکار است،

۱. Fernandez Rozas, Jose Carlos, Op. cit, p. ۸۴.

۲. شیروی، عبدالحسین، داوری تجاری بین‌المللی، تهران: سمت، ۱۳۹۱، ص ۲۵۷.

۳. پاراگراف مزبور مقرر می‌دارد: «...دادگاه دولت متعاقد در هنگام رسیدگی به دعوی دربار موضوعی که طرفها در مورد آن موافقتنامه ای را در مفهوم این ماده منعقد کرده باشند، بنا به تقاضای یکی از طرفها، آنها را به داوری ارجاع خواهد داد مگر اینکه رأی دهد آن موافقت نامه باطل، کأن لم یکن، بی اعتبار یا غیر قابل اجرا است»

این مقرر هیچ اشاره‌ای به مداخله دادگاه از طریق کاربرد قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از نوع حمایت از داوری نمی‌کند.

نظام قضایی انگلستان در رابطه با مطابقت چنین قرار منعی با کنوانسیون نیویورک بر این امر اعتقاد دارد که اگرچه مقرر مزبور اشاره‌ای در رابطه با صدور قرار منع در جهت حمایت از داوری نمی‌کند، لکن متقابلاً پاراگراف مذکور چنین امکانی را نیز منع نمی‌کند. لذا دادگاه‌های انگلیس در این خصوص چنین اظهار نظر کردند که کنوانسیون نیویورک در رابطه با این نوع از قرار منع مسکوت است و از آنجایی که متضمن قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا نمی‌باشد، صدور چنین قراری نمی‌تواند کنوانسیون مزبور را نقض کند.^۱ در واقع، در نظام قضایی انگلستان از عدم منع امکان صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از نوع حمایت از داوری در کنوانسیون نیویورک، بدین نتیجه دست یافته‌اند که صدور چنین قراری با کنوانسیون نیویورک انطباق دارد و خللی در آن ایجاد نمی‌کند.

۵-۱-۲- قرار منع در جهت ممانعت از داوری

در رابطه با قرار منع در جهت ممانعت از داوری اغلب حقوقدانان بر این امر اذعان دارند که صدور چنین قراری مغایر با متن و روح کنوانسیون نیویورک می‌باشد.^۲ این مغایرت به ویژه با بند ۳ ماده ۲ و همچنین ماده ۵ کنوانسیون نیویورک می‌باشد. از یک سو، با صدور این نوع قرار، دادگاه ملی رجوع طرفین را به داوری ناکام می‌گذارد و اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت که پایه و اساس داوری می‌باشد را نقض می‌کند. از سوی دیگر، قرار منع در جهت ممانعت از داوری بدین منظور صادر می‌گردد تا از تشکیل و برگزاری داوری جلوگیری شود و از این رهگذر از هرگونه احتمالی مبنی بر تصمیم‌گیری دادگاه کشوری دیگر عضو کنوانسیون نیویورک در رابطه با

۱ . Ponomaryov, Aleksey, Op.cit, p. ۳۵.

همچنین به منظور مطالعه تفصیلی رویکرد حقوق آمریکا در رابطه با قرار منع در جهت حمایت از داوری و مطابقت آن با کنوانسیون نیویورک رجوع کنید به:

Stacher, Marco, "International Antisuit Injunctions: Enjoining Foreign Litigations and Arbitrations Beholding the System from Outside", Cornell Law School, ۲۰۰۴, pp. ۴۱-۵۳.

۲ . Foucharad, Philippe, "Anti-Suit Injunction in International Arbitration_ What Remedies?", in Anti-Suit Injunctions in International Arbitration (Emmanuel Gaillard ed.). ۲۰۰۵, pp. ۱۵۴- ۱۵۵. Ponomaryov, Aleksey, Op.cit, p. ۳۶.

شناسایی رأی داوری به‌عنوان رأیی الزام‌آور و اجرای آن ممانعت به عمل آورد که این نوع قرار منع با ماده ۵ کنوانسیون نیویورک که موارد امتناع از شناسایی و اجرای رأی داوری را مقرر داشته مغایرت دارد؛^۱ بدین توضیح که قرار مذکور در پی آن است که حتی رأی داوری صادر نگردد چه رسد به آن که حتی نزد دادگاهی در یکی از کشورهای متعاقد به‌منظور شناسایی و اجرا مطرح گردد. حال چنین امری مغایر با ماده ۵ کنوانسیون نیویورک است، زیرا رأی داوری می‌بایست صادر گردد و پس از آن اگر موارد مقرر در ماده فوق‌الذکر وجود داشت، از شناسایی و اجرای آن امتناع نمود. حتی می‌توان تا بدان جا استدلال نمود که قرار منع در جهت ممانعت از داوری به کلی بر حقوق کشورهای عضو کنوانسیون نیویورک از این جهت که در نهایت مانع تصمیم‌گیری دادگاه‌های کشورهای مزبور نسبت به شناسایی و اجرای رأی داوری می‌شود، خدشه وارد می‌کند.

۵-۲- قانون نمونه داوری آنسیترال

در این قسمت نیز رویکرد قانون نمونه داوری آنسیترال در خصوص هر دو نوع قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا جداگانه تبیین می‌گردد.

۵-۲-۱- قرار منع در جهت حمایت از داوری

با توجه به ماده ۵ قانون نمونه داوری آنسیترال هیچ دادگاهی نباید در روند داوری مداخله نماید مگر اینکه به‌موجب قانون نمونه این امر مجاز باشد. در حقیقت قانون نمونه داوری آنسیترال رویکرد مداخله محدود دادگاه‌های ملی در روند داوری را اتخاذ کرده است. این موارد مداخله محدود عبارتند از نصب داوران، اعتراض به صلاحیت دیوان داوری، شناسایی و اجرای اقدامات تأمینی و آرای داوری و بطلان آرای داوری.^۲ نظر به اینکه قرار منع از طرق مداخله دادگاه‌های ملی در روند داوری می‌باشد و وفق ماده ۵ قانون نمونه داوری آنسیترال موارد مداخله دادگاه‌ها توسط قانون مزبور باید مقرر شده باشد، باید اذعان داشت که این نوع قرار منع در هیچ‌یک از مواد قانون نمونه داوری آنسیترال مقرر نگشته و با توجه به مقرر فوق‌الذکر، قانون

۱ . Ponomaryov, Aleksey, Op.cit, p. ۳۶.

۲ . Girma Tadesse, Solomon, "Anti-Suit Injunction in International Arbitration", Addis Ababa University School of Graduate Studies, ۲۰۱۶, p. ۲۱.

نمونه جواز صدور چنین قرار منعی را به دادگاه‌های ملی اعطا نمی‌کند.^۱ در خصوص قانون نمونه داوری آنسیترال و صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت حمایت از داوری باید این نکته را در نظر داشت که قانون مورد اشاره رویکرد دوگانه‌ای را در صدور چنین قراری اتخاذ کرده است؛ بدین تفصیل که از یک سو جواز صدور قرار مزبور را به دادگاه‌های ملی اعطا نمی‌کند، لکن از سوی دیگر چنین جوازی را در اصلاحات اخیر خود در سال ۲۰۰۶ در ماده ۱۷ برای دیوان‌های داوری پیش‌بینی کرده است.

در صورتی که ماده ۱۷ اصلاحی در بیش از ۵۰ کشوری که قانون نمونه در آنجا لازم‌الاجراست پذیرفته شود می‌تواند به نحو قابل توجهی اجرای اقدامات قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره توسط دیوان داوری را تسهیل نماید.^۲

۵-۲-۲- قرار منع در جهت ممانعت از داوری

هدف از وضع قانون نمونه این بوده تا از روند داوری حمایت نماید و داوری را به‌عنوان یک روش مطلوب حل و فصل اختلاف ترقی دهد، حال آن‌که چنین قراری باهدف وضع قانون نمونه در تضاد کامل است. قرار منع در جهت ممانعت از داوری مغایر با قوانین و مقررات بین‌المللی و اصول بنیادین داوری بین‌المللی از جمله اصول صلاحیت نسبت به صلاحیت و استقلال اراده می‌باشد و دادگاه‌های ملی باید از به‌کارگیری آن اجتناب نمایند. قوانین و مقررات بین‌المللی باید به فکر راهکاری جدید به منظور احتراز از صدور این نوع از قرار منع باشند. در واقع، چنان‌که از نظر گذشت چنین قرار منعی اغلب در مواردی صادر می‌گردد که یک طرف موافقت‌نامه داوری نهاد دولتی می‌باشد و در مواردی که احتمال می‌دهد که در نهایت رأی داوری به ضرر وی می‌باشد، با مراجعه به دادگاه دولت متبوع خود قرار منع در جهت ممانعت از داوری را مطالبه و اخذ می‌کند، یا اینکه قرار مزبور را بعد از صدور رأی داوری که به ضرر وی بوده است بدین منظور تحصیل می‌کند تا از اجرای رأی داوری جلوگیری نماید.

۱ . Bachand, Frederic, "The UNCITRAL Model law 's Take on Anti-suit Injunctions", in *Anti-Suit Injunctions in International Arbitration*, (Emmanuel Gaillard ed.), ۲۰۰۵, P. ۹۱.

۲ . Moses, Margaret L, *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, Cambridge University Press, ۲۰۰۸, pp. ۱۰۶-۱۰۷.

۶- رویکرد حقوق اتحادیه اروپا

اگرچه نظام حقوقی تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به غیر از انگلستان مبتنی بر نظام حقوق مدون می‌باشد، لکن از آنجایی که اتحادیه اروپا قواعد و مقررات خاصی در خصوص صلاحیت دارد که در قلمرو اتحادیه مزبور اعمال می‌گردد، در این قسمت به طور جداگانه به بررسی قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از جانب دادگاه‌های ملی در حقوق اتحادیه اروپا پرداخته خواهد شد.^۱ بدین منظور با توجه به اینکه اسناد اتحادیه اروپا مقرراتی در خصوص صلاحیت کشورهای عضو اتحادیه اروپا مقرر داشته، در ابتدا سیاست تقنینی اتحادیه اروپا در این زمینه تبیین می‌گردد، سپس رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا^۲ در رابطه با قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا بررسی و در پایان نیز به مطابقت یا عدم مطابقت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با طرح جدید آیین‌نامه بروکسل یک که آخرین اراده قانون‌گذار اتحادیه اروپا بوده پرداخته خواهد شد.

۶-۱- سیاست تقنینی اتحادیه اروپا در رابطه با قواعد راجع به صلاحیت

یکی از قدیمی‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه تعیین صلاحیت دادگاه‌ها و شناسایی و اجرای آرا در زمینه امور مدنی و تجاری، کنوانسیون بروکسل^۳ است که کشورهای عضو شورای اروپا در ۲۸ دسامبر ۱۹۶۸ آن را به تصویب رساندند.^۴ در سال ۲۰۰۰ طی آیین‌نامه شماره ۴۴/۲۰۰۱ اصلاحیه‌ای در رابطه با کنوانسیون اعمال و پس از آن اصلاحات در کنوانسیون بروکسل آن را آیین‌نامه بروکسل یک^۵ نامیدند که در سال ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا گشت.^۶ همان‌طور که در ماده ۷۳ آیین‌نامه بروکسل یک مقرر شده بود، پنج سال بعد از اعمال آیین‌نامه مزبور، کمیسیون اروپایی

۱. چنان که قبلاً نیز بیان گشت، آنچه از مفهوم قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا متبادر به ذهن می‌رسد، مفهوم و جنبه حمایتی آن از داوری می‌باشد، در این قسمت نیز با توجه به اینکه موارد کاربرد قرار منع در جهت ممانعت از داوری نادر می‌باشد، صرفاً جنبه حمایتی قرار منع مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۲. European Court of Justice

۳. Brussels Convention ۱۹۶۸ on jurisdiction and the enforcement of judgments in civil and commercial matters.

۴. مافی، همایون؛ حسینی مقدم، سید حسن، «دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات غیر قراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۱، ۱۳۹۶، ص ۳۱۳.

Petrov, Kiril, & others. Op.cit, p.۶.

۵. Council Regulation (EC) No. ۴۴/۲۰۰۱ of ۲۲ December ۲۰۰۰ on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters.

۶. Ponomaryov, Aleksey, Op.cit, p.۱۰.

روندی را آغاز نمود که حاصل آن پی‌ریزی طرح جدید بروکسل یک^۱ در ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲ بود که در سال ۲۰۱۵ قابلیت اجرایی پیدا کرد.^۲ به دیگر سخن، نسخه اصلی آیین‌نامه بروکسل یک، کنوانسیون بروکسل است که در سال‌های اخیر آیین‌نامه اخیرالذکر نیز بسط یافته تا اینکه به‌طور قابل توجهی در طرح جدید آیین‌نامه بروکسل یک تجلی یافته که طرح جدید آیین‌نامه بروکسل یک (از این به بعد نظام جدید بروکسل یک) جایگزین آیین‌نامه بروکسل یک گشته است. نکته حایز اهمیت در خصوص مقررات فوق‌الذکر این است که مقرره‌ای در رابطه با داوری ندارند. گزارشی از کارشناسان در تهیه و تدوین پیش‌نویس کنوانسیون بروکسل، حاکی از آن است که دلیل عدم وضع مقرره‌ای در خصوص داوری در کنوانسیون مذکور، وجود ماده ۲۲۰ معاهده جامع اروپایی و کنوانسیون نیویورک ۱۹۵۸ در رابطه با داوری است.^۳

۶-۲- رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا در رابطه با قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا
با توجه به اینکه داوری از قلمرو نظام بروکسل مستثنی شده است، باید مطالعه خود را بر رویه دیوان دادگستری اروپا راجع به قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا معطوف نمود. بدین منظور دو قضیه بسیار مهم که در رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا مطرح گشته در این قسمت تشریح می‌گردد.

۶-۲-۱- قضیه ترنر علیه گرویت^۴

در این قضیه مجلس اعیان انگلستان موضوع انطباق قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با اسناد اتحادیه اروپا را در سال ۲۰۰۲ به‌منظور اتخاذ تصمیم در این خصوص به دیوان دادگستری اروپا ارجاع داد. دیوان دادگستری اروپا صراحتاً و بدون هیچ قید و شرطی اعلام داشت که حتی در فرضی که مخاطب قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا باهدف منتفی نمودن دادرسی در کشور انگلستان، اقدام کرده باشد، دادگاه کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا مثل انگلستان نمی‌تواند

۱. Regulation (EU) No. ۱۲۱۵/۲۰۱۲ of the European Parliament and of the Council on jurisdiction and the recognition and enforcement of judgments in civil and commercial matters.

۲. مقصودی، رضا، «دادرسی موازی در دعاوی بین‌المللی»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۹۳، ص ۵۹۴.

۳. Ponomaryov, Aleksey, Op.cit, pp. ۱۳ - ۱۴.

۴. Turner V. Grovit. Kruger, Thalia, "The Anti-Suit Injunction in the European Judicial Space: Turner v Grovit", The International and Comparative Law Quarterly, ۲۰۰۴, pp. ۱۰۳۰-۱۰۴۰.

یک طرف را از اقامه یا پیگیری دادرسی در دادگاه دیگر عضو اتحادیه اروپا در زمینه امور تحت الشمول آیین‌نامه بروکسل یک منع نماید. دیوان دادگستری اروپا با اتکا به اصل اعتماد متقابل^۱ اظهار داشت که آیین‌نامه بروکسل یک مبتنی بر اصل اعتماد متقابل میان کشورهای عضو است که به موجب آن کشورهای عضو اتحادیه به صلاحیت و نظام قضایی دیگر کشورها های عضو اتحادیه اعتماد می‌کنند.^۲ بنابراین دیوان دادگستری اروپا در این قضیه با تأکید بر مفهوم اصل اعتماد متقابل، قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از جانب دادگاه انگلیسی را مغایر با آیین‌نامه بروکسل یک دانست. لازم به ذکر است که اگرچه در این قضیه دادرسی موازی میان دو دادگاه ملی بوده ولی تأثیر این تصمیم‌گیری در پرونده‌های بعدی دیوان دادگستری اروپا در قضایای مربوط به داوری غیر قابل انکار می‌باشد.

۶-۲-۲- قضیه آلیانز و جنرالی علیه وست تانکرز^۳

اختلاف مذکور در این قضیه از قرارداد اجاره کشتی ناشی شد که در آن قرارداد شرط داوری نیز قید شده بود. در این قضیه وست تانکرز از دادگاهی در انگلستان قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به منظور منع آلیانز و جنرالی از اقامه و پیگیری دادرسی در دادگاه ایتالیا را درخواست نمود. مجلس اعیان انگلستان نیز از دیوان دادگستری اروپا تقاضای صدور حکم مقدماتی در خصوص جواز یا عدم جواز صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا بر اساس آیین‌نامه بروکسل یک کرد. دیوان دادگستری اروپا حکم داد که از آنجایی که صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از مجلس اعیان، لزوماً اختیار دادگاه ایتالیایی را در رابطه با اینکه نسبت به صلاحیت خود تصمیم‌گیری نماید سلب می‌کند، با آیین‌نامه بروکسل یک منافات دارد. دیوان دادگستری اروپا اظهار داشت که این قرار منع در نقض این اصل بنیادین است که هر دادگاهی اختیار تعیین صلاحیت خود را دارا می‌باشد و همچنین قرار مذکور مغایر با اصل اعتماد متقابل می‌باشد. مطابق نظر دیوان دادگستری اروپا، قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا، دادگاه ایتالیایی را از اتخاذ تصمیم در

۱ . Mutual trust

۲. مقصودی، رضا، «موانع اعمال صلاحیت در حقوق بین الملل خصوصی»، مجله عمی-پژوهشی حقوق خصوصی، شماره ۱، ۱۳۹۱، صص ۱۱۵-۱۱۴.

۳ . Allianz SpA, Generali Assicurazioni Generali SpA V. West Tankers Inc. Lie Luxford, Stephanie, op.cit, pp. ۳۶ - ۳۷.

خصوص اینککه آیا موافقت‌نامه داوری معتبر بوده یا اینککه با اختلاف در دست رسیدگی ارتباط دارد یا خیر منع می‌نماید. در حقیقت، دیوان دادگستری اروپا عدم مطابقت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با آیین‌نامه بروکسل یک را که در قضیه ترنر علیه گرویت بدان حکم داده بود، به قضیه آلیانز و جنرالی علیه وست تانکرز که در آن قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به‌منظور حمایت از داوری در آن صادر گشته بود، نیز تسری داد. به نظر دیوان دادگستری اروپا این امر که داوری از قلمرو آیین‌نامه بروکسل یک مستثنی گشته است در این خصوص اهمیتی ندارد، زیرا مسئله اعتبار یا قابلیت اجرایی شرط یا موافقت‌نامه داوری می‌تواند به‌عنوان یک امر مقدماتی نزد دادگاه ملی مطرح گردد و نمی‌توان با صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا، دادگاه محل طرح دعوا را از انجام این تکلیف منع نمود؛ بنابراین چنان‌که در این دو قضیه آشکار گشت، قضایای مزبور به‌عنوان مهم‌ترین قضایای مطرح‌شده در دیوان دادگستری اروپا بودند که در هر دو مورد رأی بر عدم مطابقت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با آیین‌نامه بروکسل یک داده شد.

۶-۳- مطابقت یا عدم مطابقت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با نظام جدید بروکسل یک
 نظر به اینککه دو قضیه مذکور پیش از لارم الاجرا شدن نظام جدید بروکسل یک بوده است و مقررات اخیرالذکر آخرین اراده قانون‌گذاران اتحادیه اروپا در رابطه با موضوع صلاحیت در بین کشورهای عضو اتحادیه به شمار می‌آید، لذا در این قسمت به‌نظام جدید بروکسل یک پرداخته خواهد شد. باید رویکرد نظام جدید بروکسل یک در رابطه با قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را بررسی نمود و بدین سؤال پاسخ داد که آیا قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با نظام جدید بروکسل یک انطباق دارد یا خیر؟

۶-۳-۱- استدلالات مطروحه در حمایت از مطابقت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا
 استدلالات در حمایت از مطابقت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با نظام جدید بروکسل یک بر یادداشت رسمی شماره ۱۲^۱ از این نظام مبتنی گشته است. در این خصوص پاراگراف دو

۱۲ . Recital ۱

یادداشت رسمی یک مقرر عملی قابل استفاده از وضع قانون نمی‌باشد، بلکه چنان‌چه در مواد قانون یا موضوعاتی ابهام وجود داشته باشد، این ابهام در پرتو یادداشت رسمی تفسیر می‌شود. از این رو نظر به اینککه داوری در نظام جدید بروکسل یک به اجمال آمده است، در راستای تفسیر موضوع در رابطه با داوری باید از یادداشت رسمی شماره ۱۲ استفاده نمود.

از یادداشت رسمی مزبور باهدف حل و فصل یکی از مشکلات ناشی از تفسیر دادگاه‌های ملی از قضیه وست تانکرز ارائه گشت که در قضیه مورد اشاره چنان که بیان شد، دیوان دادگستری اروپا اعلام داشت این امر که موافقت‌نامه داوری معتبر یا باطل است، در دایره شمول نسخه قدیمی آیین‌نامه بروکسل یک قرار دارد. حال با استناد به یادداشت مزبور استدلال نموده‌اند که بر اساس نظام جدید بروکسل یک، چنین مشکلاتی دیگر نمی‌تواند حادث گردد، زیرا با توجه به اینکه دادگاه ملی عضو اتحادیه اروپا بر اساس نظام جدید بروکسل یک، استحقاقی در خصوص اتخاذ تصمیم راجع به شناسایی و اجرای موافقت‌نامه داوری ندارد، از این رو قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به احتمال زیاد نمی‌تواند اثربخشی نظام جدید بروکسل یک را تضعیف نماید. افزون بر این استدلال، استدلال دیگری در حمایت از امکان صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را می‌توان در پاراگراف چهار یادداشت رسمی شماره ۱۲ یافت نمود که به موجب آن رسیدگی‌های فرعی در حمایت از داوری از قلمرو آیین‌نامه بروکسل یک مستثنی می‌گردد. در حقیقت از آنجایی که هدف قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا حراست از موافقت‌نامه داوری است، می‌توان استدلال کرد که پاراگراف چهار یادداشت رسمی، قلمرو استثناء داوری را گسترش می‌دهد،^۱ به نحوی که دادگاه‌های انگلستان به منظور مشروع ساختن قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با اسناد اتحادیه اروپا، به طور گسترده‌ای بر استثناء داوری از مقررات بروکسل تأکید کرده‌اند.^۲

۶-۳-۲- عدم مطابقت قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا با نظام جدید بروکسل یک

استدلالات فوق‌الذکر را نمی‌توان پذیرفت. از آنجایی که یادداشت رسمی مقرره‌ای الزام‌آور در رابطه با نظام جدید بروکسل یک نمی‌باشد، نمی‌توان بیان داشت که قانون‌گذاران اتحادیه اروپا به واسطه این یادداشت رسمی با جزئیات بیشتر، اصلاحات اساسی از آیین‌نامه سابق بروکسل یک را مدنظر داشته‌اند. در این خصوص باید خاطر نشان ساخت که یادداشت رسمی صرفاً رهنمودهایی را در رابطه با این امر که نظام جدید بروکسل یک چگونه باید تفسیر گردد

Petrov, Kiril, & Others. Op. cit, p. ۱۲.

۱. Ortolani, Pietro, "Anti-Suit Injunctions in Support of Arbitration Under the Recast Brussels I Regulation", MPILux Working paper ۶, ۲۰۱۵, pp. ۶-۷.

۲. Ponomaryov, Aleksey, Op.cit, p. ۱۳.

ارائه می‌دهد، از این رو نمی‌توان به یادداشت مزبور به‌عنوان دلیلی از اصلاحات اساسی قانون استناد کرد.^۱ چنان‌که در رویه قضایی دیوان دادگستری اروپا آشکار گشت، در حقوق اتحادیه اروپا صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا فی‌نفسه یک مداخله ناموجه باصلاحیت دادگاه دیگر در قلمرو اتحادیه مزبور می‌باشد، زیرا چنین قراری شخص را از دادرسی نزد دادگاه یک کشور عضو منع می‌کند و از این طریق به‌طور غیرمستقیم بر صلاحیت محکمه دیگر عضو اتحادیه اروپا اثر می‌گذارد که این امر مغایر با اسناد اتحادیه اروپا از جمله نظام جدید بروکسل یک می‌باشد.^۲ قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از جانب دادگاه‌های ملی، کما فی سابق با حقوق اتحادیه اروپا از جمله نظام جدید بروکسل یک که جدیدترین مقررات را در رابطه باصلاحیت کشورهای عضو اتحادیه اروپا دارا می‌باشد، در تعارض است؛ بنابراین نظر به اینکه دادگاه‌های عضو اتحادیه اروپا از صلاحیت یکسان در رابطه با موضوعات مطرح نزد آن‌ها در اتحادیه مزبور برخوردار می‌باشند، صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا اثربخشی نظام جدید بروکسل یک را تضعیف می‌کند.

۷- رویکرد حقوق ایران

پس از تبیین و بررسی رویکرد حوزه‌های قضایی مختلف، اسناد بین‌المللی و حقوق اتحادیه اروپا، باید دید وضعیت حقوق ایران در رابطه با قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا به چه نحو است؟ رویکرد حقوق ایران به دلیل عدم آشنایی با چنین قراری روشن نیست. نظر به اینکه در قوانین ایران از جمله قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا مقرر نشده، باید دید آیا می‌توان قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از دادگاه را در قالب دستور موقت توجیه نمود؟

در بدو امر به نظر می‌رسد که با توجه به ماده ۳۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی،^۳ بتوان قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را در قالب دستور موقت صادر نمود. در واقع، به نظر می‌رسد بتوان با استناد به قسمت اخیر ماده که بیان می‌دارد: «...یا منع از امری باشد»، بتوان قرار مذکور را در قالب

۱. Ortolani, Pietro, Op.cit, pp. ۷- ۸.

۲. Ponomaryov, Aleksey, Op.cit, p. ۱۳.

۳. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «دستور موقت ممکن است دایر بر توقیف مال یا انجام عمل و یا منع از امری باشد».

دستور موقت توجیه کرد.

تدقیق در سایر مواد قانون آیین دادرسی مدنی در باب دستور موقت نتیجه‌ای مخالف نتیجه فوق را نشان می‌دهد. در واقع، دستور موقت سازوکاری است که صرفاً می‌تواند در حاشیه اصل دعوا به کار گرفته شود.^۱ در قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت حمایت از داوری، خواهان قرار مذکور درصدد آن است تا طرف ناقض موافقت‌نامه داوری را از اقامه دعوا موضوع موافقت‌نامه نزد دادگاه ملی منع نماید تا داوری به‌عنوان روش مورد توافق، به حل و فصل اختلاف بپردازد، حال مواد قانونی مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی در باب دستور موقت چنین امکانی را میسر نمی‌سازد. دستور موقت را در سه مقطع قبل از اقامه دعوا، ضمن اقامه دعوا یا پس از آن، می‌توان درخواست نمود، با توجه به کارکرد قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا، دو مقطع اخیرالذکر یعنی ضمن اقامه دعوا یا پس از آن با توجه به اینکه اصل دعوا در دادگاه مطرح گشته است، منتفی به نظر می‌رسد. تنها مقطعی که باقی می‌ماند تا بتواند قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را در قالب دستور موقت توجیه کند، درخواست دستور موقت پیش از اقامه دعوا است. درخواست دستور موقت پیش از اقامه دعوا نیز نمی‌تواند کارکرد قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از نوع اخیرالذکر آن را توجیه نماید. در حقیقت قرار منع حمایتی درخواست می‌شود تا دعوای موضوع موافقت‌نامه داوری نزد دادگاه مطرح نگردد، حال آن که مطابق ماده ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی چنانچه دستور موقت پیش از اقامه دعوا صادر شده باشد، درخواست‌کننده باید ظرف مدت ۲۰ روز از تاریخ صدور دستور موقت، اصل دعوا را در دادگاه صالح اقامه نماید.^۲ آنچه در این مواد آشکار می‌باشد این است که دستور موقت به‌عنوان موضوع تبعی بوده و اصل دعوا در نهایت باید در دادگاه اقامه شود و چنین امری کاملاً در تضاد با کارکرد قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت حمایت از داوری می‌باشد که در پی آن است تا اصل دعوا در دیوان داوری مطرح گردد؛ بنابراین تحت هیچ شرایطی نمی‌توان در داوری‌های داخلی قرار مذکور را

۱. شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، ج سوم، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۰، ص ۳۷۲.
 ۲. ماده ۳۱۸ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «پس از صدور دستور موقت در صورتی که از قبل اقامه دعوا نشده باشد، درخواست‌کننده باید حداکثر ظرف بیست روز از تاریخ صدور دستور، به منظور اثبات دعوای خود به دادگاه صالح مراجعه و دادخواست خود را تقدیم و گواهی آن را به دادگاهی که دستور موقت صادر کرده تسلیم نماید. در غیر این صورت دادگاه صادرکننده دستور موقت به درخواست طرف، از آن رفع اثر خواهد کرد.»

در قالب دستور موقت توجیه نمود. در قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران نیز در ماده ۱۹ امکان درخواست دستور موقت از دادگاه برای طرفین مقرر شده است، لکن از آنجایی که قانون مذکور مقتبس از قانون نمونه داوری آنسیترال می‌باشد، در قانون داوری تجاری بین‌المللی همانند قانون نمونه داوری آنسیترال نیز، امکان صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا برای دادگاه‌های ملی پیش‌بینی نگشته است. برای مقابله با طرح دعوا موضوع موافقت‌نامه داوری نزد دادگاه ملی در داوری داخلی صرفاً قرار عدم استماع دعوا و در داوری تجاری بین‌المللی ایراد عدم صلاحیت در دسترس می‌باشد که متمایز از قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا می‌باشد. در خصوص صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت ممانعت از داوری نیز هیچ مقرره‌ای در حقوق ایران برای تجویز صدور چنین قرار نمی‌توان یافت نمود، مضافاً این نوع از قرار منع، مغایر با اصل صلاحیت نسبت به صلاحیت است و عدم امکان صدور چنین قرار قوی‌تر به نظر می‌رسد.

۸- نتیجه‌گیری

دادگاه‌های ملی نباید در روند داوری مداخله نمایند، مگر اینکه چنین جوازی به آن‌ها اعطا شده باشد. قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا که خاستگاه آن نظام حقوقی کامن لا می‌باشد، نیز نوعی مداخله مرجع اخیر در روند داوری می‌باشد که دارای کاربردی دوگانه است؛ بدین بیان گاهی صادر می‌شود تا طرفی که موافقت‌نامه داوری را نقض و دعوا موضوع موافقت‌نامه را در دادگاه ملی اقامه می‌نماید از چنین اقدامی منع کند و گاهی نیز بدین منظور به کار گرفته می‌شود تا از رسیدگی داوری در فرضی که به اشتباه اقامه گشته است، جلوگیری به عمل آورد. دادگاه‌های ملی که نظر به صدور قرار منع حمایتی دارند یعنی دادگاه‌های نظام حقوقی کامن لا، مبنای صدور چنین قرار را موافقت‌نامه داوری و تعهد طرفین در رجوع اختلاف به داوری می‌دانند. در مقابل، قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا در جهت ممانعت از داوری با انتقادات جدی در داوری تجاری بین‌المللی مواجه گشته است و عدم جواز صدور چنین قرار قوی‌تر به نظر می‌رسد، دادگاه‌های ملی نیز می‌بایست از صدور این نوع قرار منع احتراز کنند. در واقع، قرار منع در جهت ممانعت از داوری، اصول صلاحیت نسبت به صلاحیت و استقلال اراده را در داوری

۱. ماده ۹ قانون داوری تجاری بین‌المللی مقرر می‌دارد: «هر یک از طرفین، قبل یا حین رسیدگی داوری می‌تواند از رییس دادگاه موضوع ماده (۶) صدور قرار تأمین یا دستور موقت را درخواست نماید».

تجاری بین‌المللی نقض می‌کند و بابتی را برای سوءاستفاده در داوری تجاری بین‌المللی می‌گشاید؛ بدین بیان که در اغلب مواردی که قرار منع در جهت ممانعت از داوری صادر گشته، طرف متقاضی آن یک نهاد یا دستگاه دولتی بوده که هنگامی که روند داوری را به زیان خود دیده، با مراجعه به دادگاه دولت متبوع خویش چنین قراری را تحصیل نموده است. نظر به اینکه خاستگاه قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا نظام حقوقی کامن لا می‌باشد، قرار مزبور در حوزه‌های قضایی مبتنی بر نظام حقوقی مدون به کار گرفته نمی‌شود و دادگاه‌های نظام حقوقی مذکور آن را مداخله ناموجه در نظام قضایی کشور دیگر می‌دانند. اسناد بین‌المللی از جمله قانون نمونه داوری آنسیترال، کنوانسیون نیویورک و نظام جدید بروکسل یک، هیچ‌کدام جواز صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از هر دو نوع آن را به دادگاه‌های ملی اعطا نمی‌کنند. قانون نمونه داوری آنسیترال موارد مداخله دادگاه‌های ملی را در روند داوری مشخص کرده است که صدور قرار مذکور از این موارد نمی‌باشد. همچنین قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا صادره از جانب دادگاه‌های ملی در حقوق اتحادیه اروپا با اصل اعتماد متقابل و نظام جدید بروکسل یک در تعارض است و دیوان دادگستری اروپا نیز این امر را تأیید نموده است. در قوانین ایران نیز، از جمله قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی مقررهای در خصوص صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا وجود ندارد و در قالب دستور موقت نیز نمی‌توان کارکرد قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا را توجیه نمود. بهترین راهکار برای منع طرف ناقض موافقت‌نامه داوری که اختلاف موضوع موافقت‌نامه مزبور را در دادگاه ملی مطرح نموده است، صدور قرار منع اقامه یا پیگیری دعوا از جانب دیوان داوری است که این امر در اصلاحات سال ۲۰۰۶ قانون نمونه داوری آنسیترال در پاراگراف (ب) بند ۲ ماده ۱۷ مقرر شده است.

منابع

فارسی

- اسدی نژاد طاهر گورایی، سید محمد، اسدی نژاد طاهر گورایی، میر حامد، «دستور موقت در داوری‌های ملی و بین‌المللی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره چهاردهم، ۱۳۹۴.
- جنیدی، لعی - حق پرست، رضا، «خلاهای قانون آیین دادرسی مدنی در صدور قرار دستور موقت از جانب داور»، حقوق خصوصی، شماره دو، ۱۳۹۳.
- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته، ج سوم، چاپ نوزدهم، (تهران: انتشارات دراک، ۱۳۹۰).
- شیروی، عبدالحسین، داوری تجاری بین‌المللی، چاپ اول، (تهران: سمت، ۱۳۹۱).
- مافی، همایون - حسینی مقدم، سید حسن، « دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات غیر قراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره یک، ۱۳۹۶.
- مصلحی، جلال، «حدود مداخله دادگاه‌های ملی در روند داوری»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره پانزدهم و شانزدهم، ۱۳۸۴.
- مقصودی، رضا، «ادارسی موازی در دعاوی بین‌المللی»، مطالعات حقوق تطبیقی، شماره دو، ۱۳۹۳.
- مقصودی، رضا، «موانع اعمال صلاحیت در حقوق بین‌الملل خصوصی»، مجله عمی-پژوهشی حقوق خصوصی، شماره اول، ۱۳۹۱.
- نیکبخت، حمیدرضا، داوری تجاری بین‌المللی «آیین داوری»، چاپ دوم، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۹۰).

English resources:

- Arkins, Jonathan R. C. (۲۰۰۱). "Bordeline Legal: Anti-Suit Injunction in Common Law Jurisdictions." *International Arbitration*, Vol. ۱۸. No. ۶.
- Bachand, Frederic. (۲۰۰۵). "The UNCITRAL Model law 's Take on Anti-suit Injunctions." in *Anti-Suit Injunctions in International Arbitration* (Emmanuel Gaillard ed.).
- D M Lew, Julian. (۲۰۰۹). " Does National Court Involvement Undermine the International Arbitration Processes?." *American University International Law Review*. Vol. ۲۴. Issue. ۳.
- D M Lew, Julian. (۲۰۰۵). "Anti-Suit Injunctions by National Courts to Prevent Arbitration Proceedings." in *Anti-Suit Injunctions in International Arbitration* (Emmanuel Gaillard ed.).

- Dowers, Neil. (۲۰۱۳). "The Anti-Suit Injunction and the EU: Legal Tradition and Europeanization in International Private Law." Cambridge Journal of International and Comparative Law. Vol. ۲, No. ۴.
- Fernandez Rozas, Jose carlos. (۲۰۰۵). "Anti-suit Injunctions Issued by National Courts Measures Addressed to the Parties or to the Arbitrators." in Anti-Suit Injunctions in International Arbitration, ed. Emmanuel Gaillard (General editor) Berna, Staempfli Verlag AG.
- Fisher, Gefrey. (۲۰۱۰). "Anti-Suit Injunctions to Restrain Foreign Proceedings in Breach of an Arbitration Agreement." Bond Law Review.
- Fouchard, Philippe. (۲۰۰۵). "Anti-Suit Injunction in International Arbitration_ What Remedies?." in Anti-Suit Injunctions in International Arbitration (Emmanuel Gaillard ed.).
- Gaillard, Emmanuel. (۲۰۰۶). "Reflections on the Use of Anti-Suit Injunctions in International Arbitration." Pervasive Problems in International Arbitration, Kluwer Law Internationa, Edited by Loukas A. Mistelis, Julian D.M. Lew. ۲۰۰۶.
- Gaillard, Emmanuel. (۲۰۰۶). "Anti-suit Injunctions Issued by Arbitrators." in International Arbitration: Back to Basics, ed. Albert Jan Van Den Berg.
- Kaufmann-Kohler, Gabrielle. (۲۰۰۸). "How to Handle Parallel Proceedings: A Practical Approach to Issues such as Competence-Competence and Anti-Suit Injunctions", Dispute Resolution International. Vol. ۲. No. ۱.
- Kruger, Thalia. (۲۰۰۴). Turner V. Grovit. "The Anti-Suit Injunction in the European Judicial Space: Turner v Grovit." The International and Comparative Law Quarterly. Vol. ۵۳.
- Lévy, Laurent. (۲۰۰۳). "Anti-Suit Injunctions Issued by Arbitrators." IAI International Arbitration, No. ۲.
- Lie Luxford, Stephanie. (۲۰۱۵). "What Is the Proper Scope of the Power of an Arbitral Tribunal to Issue an Order Restraining a Party from Pursuit of Parallel Proceedings in a National Court?." International Arbitration and Dispute Settlement. Vol. ۱ & ۲.
- Moses, Margaret L. (۲۰۰۸). *The Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, Cambridge University Press.
- Moloo, Rahim. (۲۰۰۹). "Arbitrators Granting Antisuit Orders: When Should They and on What Authority?." Journal of International Arbitration, Vol. ۲۶, Issue. ۲.
- Nazar Pagani, Felipe. (۲۰۱۴). "Anti-Arbitration Injunctions and the Principle of Competence – Competence." Lex Arbitri, Peru.

- Ortolani, Pietro. (۲۰۱۵). "Anti-Suit Injunctions in Support of Arbitration Under the Recast Brussels I Regulation." MPILux Working paper ۶.
- Paulsson, Jan. (۱۹۸۱). "Arbitration Unbound: Award Detached from the Law of Its Country of Origin." *International and Comparative Law Quarterly*. Vol.۳۰, No. ۲.
- Petrov, Kiril – Pironev, Svetoslav – Dieva, Valeria – Bratoeva, Valeria. (۲۰۱۵). "Anti-suit injunctions issued to protect arbitration agreements – a remedy against parallel proceedings? Reviewing Gazprom Case." *Themis competition Semi – final C* ۹-۱۲.
- ponomaryov, Aleksey. (۲۰۰۸). "State Court Use of Anti-Suit Injunctions In International Arbitration." Central European University.
- Ricardo Quass, Duarte. (۲۰۱۰). "Anti-Suit Injunctions in the Context of International Commercial Arbitration," *Antitrust & Unfair Competition Law Journal*. Volume.۴۸, No.۳.
- Raphael, Thomas. (۲۰۰۸). *The Anti-Suit Injunction*, Oxford University Press.
- Stacher, Marco. (۲۰۰۴). "International Antisuit Injunctions: Enjoining Foreign Litigations and Arbitrations - Beholding the System from Outside." Cornell Law School.
- Subramanian, Varsha G – Menon, Lakshmi. (۲۰۱۳) "Anti-arbitration and Anti-suit Injunctions: Court Interference in Arbitration by way of Injunctions." *International Journal of Research and Analysis*, Vol.۱. Issue.۲.
- Taddesse, Solomon Girma. (۲۰۱۶). "Anti-Suit Injunction in International Arbitration." Addis Ababa University School of Graduate Studies.
- Vishnevskaya, Olga. (۲۰۱۵). "Anti-suit Injunctions From Arbitral Tribunals in International Commercial Arbitration: A Necessary Evil?." *Journal of International Arbitration*. Vol.۳۲. No.۲.
- Weeramantry, Romesh. "Anti-Arbitration Injunctions: The Core Concepts." <<https://cil.nus.edu.sg/wp/wp-content/uploads/۲۰۱۴/۰۶/Note-on-anti-arbitration-injunctions.pdf/>. [۱۱ Oct ۲۰۱۷].

